



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳ آذر ۱۴۰۲

موضوع کلی: علم اجمالی

موضوع جزئی: مقام اول: اثبات تکلیف - احتمالات چهارگانه در مقام - احتمال چهارم (مشهور) مصادف با: ۲۰ جمادی الاولی ۱۴۴۵

ادله احتمال چهارم - حق در مسئله

جلسه: ۴۱

سال پانزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### احتمال چهارم (مشهور)

تا اینجا از میان سه احتمالی که در مورد نقش علم اجمالی در تنجز تکلیف ذکر شده بود، هیچ یک مورد پذیرش واقع نشد. مشهور بین اصولیین مخصوصاً در میان معاصرین علیت تامه علم اجمالی برای ثبوت تکلیف است. درست است که شیخ انصاری تفصیل دادند بین وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی، لکن شاگردان محقق خراسانی مثل محقق نائینی و محقق عراقی و برخی دیگر مثل امام خمینی و محقق خوبی همه قائلند به اینکه علم اجمالی علت تامه تنجز تکلیف است.

#### ادله احتمال چهارم

مهم دلیل بر این مدعاست. چرا و به چه دلیل علم اجمالی تکلیف را منجز می‌کند؟ چرا وقتی علم اجمالی حاصل می‌شود دیگر معطل چیزی نیست برای قطعیت تکلیف؟ دو دلیل قابل ذکر است: ۱. حکم عقل؛ ۲. حکم عقلاء

#### دلیل اول: حکم عقل

علم به طور کلی کاشف از متعلق خودش است و کشف می‌کند متعلق را، نشان می‌دهد واقع را. این کشف گاهی به صورت تفصیلی است در جایی که علم تفصیلی باشد و گاهی اجمالی است در جایی که علم اجمالی باشد. مثلاً وقتی ما علم پیدا می‌کنیم به یک تکلیفی، وجوب نماز جمعه را کشف می‌کنیم، علم مثل نوری است که در تاریکی‌ها اشیاء را برای ما روشن می‌کند. یک وقت نور حسی است، وقتی در اتاق تاریک می‌تابد، اشیاء موجود در این اتاق منکشف و واضح می‌شود. علم نیز نور است، وقتی انسان یقین به چیزی پیدا می‌کند یعنی یک چیزی را کشف می‌کند مثل یک نوری است که بر یک تاریکی می‌تابد و حقیقتی را آشکار می‌کند، وقتی ما یقین پیدا می‌کنیم به وجوب نماز جمعه این برای ما آشکار می‌شود معلوم و روشن می‌شود. وقتی علم حاصل شد تفصیلاً به وجوب نماز جمعه، عقل حکم به لزوم اطاعت می‌کند عقل می‌گوید اینجا باید اطاعت کنی وقتی مولا چنین تکلیفی را بر عهده تو گذاشته بر تو واجب است که اطاعت کنی. حکم عقل به لزوم اطاعت و حرمت و قبح معصیت. می‌گوید بر تو واجب است اطاعت کنی و چنانچه از این دستور تخطی کنی تو عاصی محسوب می‌شوی، نافرمانی محسوب می‌شود این عمل و کار تو. پس انسان به حکم عقل نمی‌تواند تکلیفی را که با علم تفصیلی کشف شده نادیده بگیرد. آن تکلیف برای انسان قطعی و منجز می‌شود.

همین بیان بعینه در مورد علم اجمالی نیز وجود دارد یعنی وقتی علم اجمالی به چیزی پیدا می‌شود موضوع برای حکم عقل به لزوم اطاعت و قبح معصیت تحقق پیدا می‌کند. مثلاً اگر ما علم اجمالی به وجوب نماز جمعه یا نماز ظهر پیدا کنیم، وجوب این دو به نحو اجمال برای ما کشف می‌شود. متعلق این علم یا این است یا آن، به صورت مردد. فرق نمی‌کند بالاخره این علم اجمالی نیز یک

متعلق دارد، منتهی متعلق آن مردد است بین هذا و ذاك. اما بالاخره علم است، کاشفیت محقق شده است. کشف اجمالی است نه تفصیلی. به همین دلیل و در همین حد عقل حکم می‌کند به لزوم اطاعت، یعنی عقل می‌گوید تو بالاجمال تکلیف را فهمیدی اطاعت نیز باید متناسب با کشف تکلیف باشد. یعنی حق نداری این دو تکلیف را ترک کنی. مخالفت قطعیه حرام است. پس با علم اجمالی موضوع برای حکم عقل به لزوم اطاعت مولا و قبح سرپیچی و معصیت از فرمان مولا ثابت می‌شود. این موضوع محقق می‌شود و این می‌شود علت تامه تنجز تکلیف یعنی اینکه به محض تحقق علم اجمالی تکلیف ثابت می‌شود و تمام می‌شود و معطل چیز دیگری نمی‌ماند.

وقتی علم جنبه کاشفیت دارد چه اجمالی و چه تفصیلی؛ بالاخره این پرده که کنار می‌رود تکلیف معلوم می‌شود و منتظر چیز دیگری نیست این عینا تکلیف را آشکار می‌کند و بلافاصله حکم عقل به لزوم اطاعت و قبح معصیت فراهم می‌شود.

بر این اساس عقل هم موافقت قطعیه را واجب می‌داند و هم مخالفت قطعیه را حرام می‌داند. مخالفت قطعیه از نظر عقل حرام است برای اینکه ارتکاب هر دو، مصداق بارز معصیت است. موافقت قطعیه واجب است، یعنی ارتکاب جمیع الاطراف یا احتیاط یا اتیان به طرفین علم اجمالی، برای اینکه یقین به تحقق اطاعت بکند. اگر یکی از اطراف علم اجمالی را کنار بگذارد بالاخره احتمال معصیت وجود دارد. وقتی می‌دانیم یک تکلیفی وجود دارد باید یقین کنیم از این تکلیف برئ الذمه شدیم و این جز با موافقت قطعیه تحقق پیدا نمی‌کند. پس علم اجمالی موضوع برای حکم عقل به لزوم اطاعت و قبح معصیت فراهم می‌کند. پس علم اجمالی می‌شود علت تامه حرمت مخالفت قطعی و وجوب موافقت قطعی.

البته اینجا یک جزئیاتی در تعبیر این حضرات (محقق عراقی و محقق نایینی) وجود دارد که خیلی به آن تعبیر نمی‌خواهیم بیردازیم. مهم این است که دلیل بر اثبات علیت تامه علم اجمالی بیان شد.

#### **دلیل دوم: حکم عقلاء**

عقلاء در این باره هیچ فرقی بین علم تفصیلی و علم اجمالی نمی‌بینند. از نظر عقلاء در موالی عرفیه اگر مولایی به عبدش دستور بدهد به اکرام شخص واحد، اینجا چنانچه کسی مخالفت کند و این شخص را اکرام نکند قطعاً مستحق ذم و سرزنش است. اگر مولا به عبدش بگوید حواست باشد زید که آمد باید اکرامش کنی، ولی او این دستور را نادیده بگیرد و زید را اکرام نکند عقلاء او را مستحق عقاب می‌دانند، می‌گویند از دستور مولا سرپیچی کرده و باید مجازات شود و مولا می‌تواند او را مؤاخذه کند.

همین سرزنش و مذمت و استحقاق عقاب در مورد کسی که با علم اجمالی خودش مخالفت کند وجود دارد. در همین مثالی که بیان شد در موالی عرفیه فرض کنید مولایی به عبدش دستور می‌دهد که زید را باید اکرام کنی، فلان ساعت می‌آید ولی آن ساعت تصادفاً زید با کسی دیگر همراه می‌شود و دو نفر وارد منزل می‌شود و عبد نمی‌داند که کدام زید است و کدام زید نیست؛ علم اجمالی به این دارد که زید یکی از این دو نفر است. اینجا اگر اکرام هر دو را ترک کند و هیچ کدام را اکرام نکند با اینکه یقین دارد که زید یکی از این دو نفر است، مسلماً عقلاء او را مستحق سرزنش و مذمت می‌دانند، مستحق مجازات و عقاب توسط مولا می‌دانند. پس مخالفت قطعیه از نظر عقلاء جایز نیست یعنی عقلاء مخالفت قطعیه عبد با دستور مولا را قبیح می‌دانند.

در مورد موافقت قطعی نیز همینطور است. یعنی فرض کنید این دو نفر که وارد منزل شدند و این علم اجمالی دارد که احدهما زیدی است که باید به دستور مولا او را اکرام کند ولی او اکرام یکی را کنار بگذارد و بگوید من فقط یک نفر را اکرام می‌کنم. حال اگر بعداً

معلوم شد کسی که مورد اکرام قرار گرفته زید نبوده است؛ آیا مولا حق مؤاخذه دارد؟ بله قطعاً؛ اگر مولا او را عقاب و مجازات کند از نظر عقلاء محذوری ندارد. عقلاء چنین شخصی را مذمت می‌کنند که این کاری کرده بر خلاف خواسته مولا. بالاخره احتمال این مسئله وجود دارد. پس از نظر عقلاء نیز مطلب اینچنین است. عقلاء نیز مخالفت قطعی با علم اجمالی را قبیح می‌دانند. موافقت قطعی با علم اجمالی را لازم می‌دانند.

پس اگر ما این مسئله را به لحاظ حکم عقل در نظر بگیریم علیت تامه ثابت می‌شود. اگر به لحاظ حکم عقلاء هم در نظر بگیریم باز هم علیت تامه ثابت می‌شود. یعنی علم اجمالی به حکم عقل و عقلاء علت تامه تنجز تکلیف است و لافرق فی ذلک بین حرمة المخالفة القطعیة و بین وجوب موافقة القطعیة، فرقی بین این دو نیست و جایی برای تفصیل نیست. یعنی علت تامه برای هر دو است هم برای حرمت مخالفت قطعی و هم برای وجوب موافقت قطعی.

### حق در مسئله

این مطلبی است که مشهور در این باره گفتند و به نظر می‌رسد که حرف درستی است. یعنی حق با مثل محقق نایینی و محقق اصفهانی و محقق عراقی و امثال ایشان است. از آن چهار احتمالی که بیان کردیم احتمال چهارم حق است و نظر برگزیده است و مشهور نیز همین را می‌گویند که بالاخره هر وقت علم اجمالی تحقق پیدا کرد تکلیف قطعی و ثابت است.

### سوال:

استاد: بله؛ منتهی تکلیفی که با علم تفصیلی ثابت می‌شود تردید در آن راه ندارد، روشن است، مثلاً علم تفصیلی پیدا کرده است به وجوب نماز جمعه، این خودش واجب می‌شود اما اگر علم اجمالی پیدا کند به وجوب نماز ظهر یا جمعه، طبیعتاً متعلق علم اینجا فرق می‌کند. آنجا متعلق علم یک چیز واضح و روشن است ولی اینجا متعلق علم یا این است یا آن، یک نحوه تردید در آن است ولی این تردید مزاحمتی برای اینکه تکلیف را قطعی و حتمی و منجز کند ندارد، در همان حد منجز می‌کند. بله علم اجمالی برای ما خصوص وجوب نماز جمعه را به تنهایی قطعی نمی‌کند یا خصوص وجوب نماز ظهر را ولی یا این یا آن را به نحو کلی برای ما قطعی می‌کند. منتهی چون ما نمی‌دانیم کدام یک از این دو مورد خواست و طلب مولاست می‌گوییم ما حق نداریم هر دو را کنار بگذاریم بلکه باید هر دو را اتیان کنیم تا خواسته مولا تحقق پیدا کند و نکند ما به نوعی گرفتار سربچی و معصیت شویم. هذا تمام الکلام فی المقام الاول.

اگر خاطرتان باشد گفتیم آخرین مسئله از مسائل قطع مربوط به علم اجمالی است. گفتیم در علم اجمالی ما در دو مقام بحث می‌کنیم یکی در مورد ثبوت تکلیف است و اینکه آیا علم اجمالی موجب ثبوت تکلیف و قطعیت و حتمیت تکلیف است یا خیر؟ چهار احتمال در این مورد ذکر و هر چهار احتمال بررسی شد بعد از ابطال نظر محقق خراسانی و نظر شیخ انصاری و آن احتمالی که قائلی ندارد به این نتیجه رسیدیم که علم اجمالی علت تامه تنجز تکلیف است هم مخالفت قطعی را حرام می‌کند و هم موافقت قطعی را واجب می‌نماید. بنابراین دیگر اصل نمی‌تواند در اطراف علم اجمالی جاری شود؛ که البته بحث از جریان اصل در اطراف علم اجمالی در بحث اشتغال خواهد آمد.

### بحث جلسه آینده

«والحمد لله رب العالمین»

مقام دوم: بحث از کفایت امثال اجمالی از امثال تفصیلی است.